

Fundamental Requirements of Criminalization of Possible “Endangerment” Behavior in Criminal Law

Yazdan Seyghal*

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Allameh Mohaddes Nouri University, Noor, Iran

Amir Irani

Ph.D. Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz University, Shiraz, Iran

Abstract

Endangerment as a criterion for those behaviours that can potentially and potentially threaten the health and safety of individuals in the future is a criterion that considers the behaviour worthy of attention regardless of the outcome. This criterion can provide a comprehensive model in describing (wrongdoing or criminalization) behaviours against health and safety, according to the basic philosophical principles in the principle of injury by referring to possible injuries and their classification. This article seeks to answer the fundamental question of how and by what approach can a significant number of immunosuppressive behaviours be envisioned as a criterion of risk in criminal law by explaining the income based on the description of the risk criterion. It seems that the Iranian legislature, by dividing the legal instances of risky behaviours, not only deviates from the goals of systematic description, i.e., social safety, but also pays attention to the need to separate instances of error from crime and systematic possible degrees of risk in regulations and adjust the position of criminal law in ensuring safety and preventing risky behaviours.

Keywords: Endangerment Crime, Risk, The Possibility of Harm, Criminalization, Wrongdoing.

* Corresponding Author: yazdan.seyghal@yahoo.com

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری

یزدان صیقل* | استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه محدث نوری، نور، ایران

امیر ایرانی | دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

به خطراندازی به عنوان معیار آن دسته از رفتارهایی که به صورت احتمالی و بالقوه می‌توانند سلامتی و ایمنی اشخاص را در آینده تهدید کنند خود معیاری است که رفتار را فارغ از تحقق نتیجه و به صرف احتمال آن شایسته توجه می‌داند. این معیار می‌تواند با توجه به مبانی بنیادین فلسفی در اصل صدمه با عطف به صدمات احتمالی و دسته‌بندی آنها، مدل جامعی را در وصف‌گذاری (خطاکاری و یا جرم‌انگاری) رفتارهای علیه سلامت و ایمنی بدست دهد. این مقاله با تبیین درآمدهی بر مبنای وصف‌گذاری معیار به خطراندازی در صدد است تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که حجم قابل توجهی از رفتارهای ناقض ایمنی را چگونه و با چه رویکردی می‌توان تحت عنوان معیار به خطراندازی در مقررات کیفری پیش‌بینی کرد؟ به نظر می‌رسد که قانونگذار ایران با تشبث در پیش‌بینی مصادیق قانونی برای رفتارهای خطرانداز، نه تنها از اهداف وصف‌گذاری نظام‌مند یعنی ایمنی اجتماعی دور مانده بلکه توجهی به لزوم تفکیک مصادیق خطا از جرم و نظام‌مندی درجات خطر احتمالی در مقررات جایگاه حقوق کیفری را در تأمین ایمنی و پیشگیری از رفتارهای مخاطره‌زا را تعدیل نماید.

کلیدواژه‌ها: جرم به خطراندازی، ریسک، احتمال صدمه، جرم‌انگاری، تخلف‌انگاری.

مقدمه

امروزه حقوق کیفری شاهد تحوّل مقرّرات کیفری و پیش‌بینی رفتارهایی است که اثر ارتکاب‌شان نسبت به آینده بوده و میزان احتمال قطعی آثار زیانبار قانونگذاران را به سوی وصف‌گذاری عموماً کیفری آنها متقاعد ساخته است. به همین دلیل، قوانین بسیاری از کشورها به جرم‌انگاری جرایم جدید دارای احتمال اضرار در آینده نسبت به سلامتی و ایمنی انسان و محیط زیست سوق یافته‌اند. این جرایم به خطراندازی گاه به اشتباه از سوی قانونگذاران و حقوقدانان تحت عناوین مختلفی چون جرایم مانع و جرایم پیشگیرانه و با اندیشه یکسانی آنها بحث شده‌اند، اما به رغم شباهت در اوصافی چون عدم نتیجه سریع و همچنین تهدید آمیز بودن، تفکیک میان آنها با اندیشه فلسفی حقوق کیفری و نیز ماهیت این رفتارها ضرورت بیشتری دارد. اخیراً نیز چالشی که ویروس کرونا (کوید ۱۹) در جهان به وجود آورده قانونگذاران را به سمت وصف‌گذاری قانونی برای رفتارهایی که احتمالاً موجب انتقال ویروس می‌شوند سوق داده که خود حاکی از اهمیت مضاعف وصف‌گذاری قانونی برای برخی رفتارها به صرف احتمال قطعی وقوع نتایج زیانبار در آینده است. در همین راستا می‌توان به طرح دوفوریتی نمایندگان برای وضع جرایم و تخلفات مرتبط با انتقال این ویروس اشاره کرد. این جرم‌انگاری‌های با پیشگیری از نوع معینی از آسیب‌های احتمالی و ریسک‌ها (توجه به خطر صدمه و نه خود صدمه)، جرایم به خطراندازی سلامت و ایمنی دیگران، شکلی بسیار نوین از جرایم در جامعه مخاطره‌آمیز و حاصل تطوّر اصل صدمه و توجه به ریسک‌های احتمالی است (ایرانی، ۱۳۹۸: ۶۷).

در ادبیات فقهی نیز دفع ضرر محتمل و کلیدواژه عدوان در رابطه با رفتارهایی باعث ضمان است، اما قانونگذار بدون توجه به اقتضائات این مبانی، تحقق خسارت و نتیجه را وصف کیفری آنها تلقی نموده است. با وجود این، مقرّرات مختلفی در حقوق ایران وجود دارند که از منظر جرم به خطراندازی جایگاه ویژه‌ای برای تحلیل دارند و گاه نیز قانونگذار به رفتارهای احتمالی مرتبط اشاره کرده است، از قبیل قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوّب ۱۳۲۰، قانون موادّ خوردنی و آشامیدنی و آرایشی

و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶، قانون ایمنی زیستی مصوب ۱۳۸۶ - و چالش موجود در ماده ۶ این قانون -، قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶، و موارد متعدّد (بالغ بر بیست مورد استفاده از واژه خطر) استفاده از در معرض خطر بودن در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب خردادماه ۱۳۹۹^۱ و...^۲.

در حقوق غرب نیز گرچه برخی محققان^۳ نسبت به این گونه جرایم به دیده تردید می‌نگرند، به نظر می‌رسد که جرم‌انگاری برخی از جرایم اصطلاحاً به خطراندازی یا مخاطره‌آمیز را می‌توان اتخاذ یک رویکرد نظارتی بر برخی خطاها و اعمال ممنوعه‌ای دانست که جرم‌انگاری‌شان با هدف کاهش صدمات احتمالی در آینده توجیه می‌گردد. فرض و اعتقاد این جرم‌انگاری آن است که حتی اگر میزان آن رفتار به نحوی باشد که آسیبی را به بار نیاورد و صرفاً ریسک ایراد صدمه را از طریق در معرض خطر قرار دادن سلامت، ایمنی و اموال اشخاص ایجاد کند، می‌توان موضوع جرم‌انگاری قرار داده و به عنوان بخشی از یک طرح نظارتی با هدف پیشگیری از آن آسیب توجیه نمود. تبلور مصادیقی مرتبط در حقوق برخی کشورها، مانند جرم به خطراندازی ماده ۱-۲۲۳ در قانون مجازات فرانسه^۴ و وجود حداقل بیست مورد جرم با ماهیت به خطراندازی در قانون جزای آلمان در این راستا قابل توجیه‌اند. لذا به رغم وجود اختلاف نظرها، ضرورت‌های عملی جهان مملو از ریسک و

۱. به عنوان مثال قانونگذار صراحتاً در بند (ت) ماده ۱، ماده ۱۷ و همچنین ماده ۳۳ این قانون به اصطلاحاتی چون در معرض خطر شدید یا قریب‌الوقوع و همچنین وضعیت مخاطره‌آمیز و احتمال جرم اشاره کرده است.

۲. در این زمینه در حقوق ایران مقررات بسیار متعدّد و مختلفی با کلیدواژه ایمنی وجود دارند، از قبیل دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه ایمنی امور پیمان‌کاری ۱۳۹۰/۱۲/۲۸؛ آیین‌نامه ایمنی در معادن ۱۳۹۱/۱۱/۳؛ آیین‌نامه ایمنی در عملیات انتقال نیروی برق ۱۳۹۲/۴/۱۶؛ آیین‌نامه ایمنی در صنایع ریخته‌گری (قطعه‌ریزی و لوله‌ریزی) ۱۳۹۲/۱۲/۱۳؛ فعالیت‌های شغلی خطرناک مانند قانون حفاظت در برابر اشعه ۱۳۸۶ و بسیار موارد دیگر.

۳. مهم‌ترین انتقاد آنها این است که بسیاری از جرایم پیشگیرانه خطای قابل سرزنشی را، از نوعی که منع و مجازات آنها از طریق حقوق کیفری موجه باشد، مورد هدف قرار نمی‌دهند.

۴. «قرار دادن مستقیم دیگری در معرض خطر قریب‌الوقوع مرگ یا زخم، به گونه‌ای که بتواند موجب نقض عضو یا معلولیت دائمی شود و ناشی از نقض آشکارا عمدی یک تکلیف خاص ایمنی یا احتیاط پیش‌بینی‌شده در قانون یا آیین‌نامه باشد مجازات حبس تا یک سال و جزای نقدی تا ۱۵۰۰۰ یورو دارد».

واقعیت یافتن نظریهٔ جامعهٔ ریسک یا مخاطره‌آمیز اولریش بک (نک. صیقل، ۱۳۹۸: ۹۳) عواملی شده‌اند که حقوق کیفری به مبنا و نگرش احتمالی بودن تحقق نتایج در وصف‌گذاری‌های قانونی پاسخ مثبت دهد. اما نگرانی بنیادین آن است که با هدف وضع سیاست کیفری افتراقی نسبت به مصادیق به خطرانداز احتمالی رفتارها، این جرم‌انگاری توسعهٔ بی‌حد و حصری یابد و به نقض حداکثری حقوق و آزادی‌های افراد منتهی شود. به همین دلیل شناسایی مبنا، معیار و شیوهٔ جرم‌انگاری این رفتار در عین تقابل میان تخلف‌انگاری و جرم‌انگاری و راهکارهای ایجاد دقت قانونگذاری کیفری نیازمند تحلیل هستند. بر همین اساس، برای پاسخ به سؤالات مربوط، چهار مؤلفهٔ اساسی مدنظر قرار خواهد گرفت، اولاً التزام به مبانی جرم‌انگاری به خطراندازی که در ابعادی مانند دفع ضرر محتمل و اصل صدمه با محوریت صدمات احتمالی بررسی می‌شود؛ ثانیاً لزوم تفکیک جرایم اصطلاحاً جدید به خطراندازی از جرایم موسوم به جرایم مانع تبیین می‌گردد؛ ثالثاً گونه‌های پیش‌بینی قانونی جرم به خطراندازی در قانون جزای آلمان و فرانسه و همچنین مقررات مرتبط انگلستان مبنای تحلیل مختصر شرایط مبنایی وصف‌گذاری رفتار به خطرانداز را فراهم می‌آورند.

۱. مبانی و ضرورت‌های جرم‌انگاری به خطراندازی

به طور کلی به نظر می‌رسد که جرم‌انگاری به خطراندازی نوعی حمایت در برابر دیگر افراد خارج از چارچوب‌های ایمنی محور جامعه است. به عنوان مثال، آلودگی ایجادشده توسط کارخانه‌ها به معنای آن است که کارخانه‌ها عواملی خارجی هستند که در حال نقض سلامتی ساکنان آن منطقه هستند. در پاسخ به شبههٔ احتمالی، می‌توان جرم‌انگاری چنین رفتاری را بخشی از یک طرح حمایت متقابل^۱ تلقی نمود. در مثال رانندگی با سرعت مطمئن، در عین حمایت از سلامت دیگران از جان خود نیز در برابر دیگران حمایت می‌شود. علاوه بر نگرش‌های حمایتی، می‌توان مبانی و ضرورت‌های ذیل را در جرم‌انگاری این رفتار مؤثر یافت.

1. Reciprocal protection.

۱-۱. تحوّل جرم‌انگاری بر مبنای اصل صدمه به صدمات احتمالی

تطوّر مفهوم اصل صدمه در نظریه فاینبرگ^۱ آمریکایی در این قالب تعبیر می‌شود که این اصل تنها آن دسته از رفتارهایی را که ذاتاً مضر هستند شامل نمی‌شود بلکه دامنه آن گسترده‌تر است (صیقل، ۱۳۹۶: ۱۵۴). در جرمی چون قتل جرم‌انگاری بدون وجود نتیجه قتل ممکن نیست. اما این در حالی است که اهمیت زندگی بشر تا بدانجاست که رفتارهایی چون شروع به قتل، رانندگی خطرناک، حمل و داشتن غیرقانونی سلاح و مصادیق بسیار متعدّد دیگری که ناظر به سلامت و ایمنی اشخاص هستند در این قلمرو قرار می‌گیرند. لذا اصل صدمه در مفهوم جدید خود با محوریت داشتن صدمات احتمالی، رفتارهای خطاکارانه فاقد نتیجه مضر را مشمول وصف‌گذاری قرار می‌دهد. بنا به تعبیری، اصل صدمه آن دسته از رفتارهایی را مورد نظر قرار می‌دهد که می‌توانند به طور غیرمستقیم به نتیجه و صدمه‌ای منتهی شوند.

در نظریه فاینبرگ در بستر تقویت مبنای حمایتی در حقوق کیفری و تقویت اتخاذ کارکرد پیشگیرانه از سوی دولت، حقوق کیفری ناگزیر است با ممنوعیت‌هایی اقدام به حمایت در برابر خطرات احتمالی بنماید (Simester, & von Hirsch, 2011: 76). به اعتقاد فاینبرگ، صدمه جایگاه ویژه‌ای در جرم‌انگاری دارد و شدت یا احتمال نتایج معیارهایی هستند که به جرم‌انگاری جهت می‌دهند (صدمه یا آسیب احتمالی)^۲. بنا به اعتقاد وی، رفتارهای خطاکارانه^۳ نیز رکن اساسی اصل صدمه هستند. اساساً وی رفتارهای خطاکارانه را در رابطه با رکن روانی و الزامات اشخاص در خصوص قصد و لزوم مراقبت بکار می‌گیرد. بنا به بیان وی، صدمه و ریسک احتمالی هر دو به یک میزان اهمیت دارند.^۴ بنا به تعبیر فون هیرش، خطاکاری و صدمه به عنوان دو عامل محدودکننده متقابل عمل می‌کنند و این عملکرد در راستای مقبول و قابل پذیرش‌تر ساخت جرم‌انگاری و رویکرد اتخاذی آن است. به موجب این مدل دو رکنی، از یک سو خطاء خواندن برخی رفتارها باعث می‌گردد تا

1. Joel Feinberg.

2. Eventual harm.

3. Wrongdoing.

۴. تکنیک جرم‌انگاری برای پیشگیری کیفری یا پیش‌دستی در سرکوب در چارچوب منطق پیش‌بینی و پیشگویی

مشخصه حقوق کیفری ریسک محسوب می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۶-۵).

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری | صیقل ۱۶۷ |

الزاماتی بر اشخاص بار شود که به موجب آنها میزان توسل به جرم‌انگاری محدود شود. از سوی دیگر، جرم دانستن رفتاری به استناد اصل صدمه و مبانی آن باعث می‌شود که خطاء خواندن یک رفتار کاهش یافته و در حد جرم ارزش‌گذاری شود. به موجب این معیارسازی متقابل و قابل مقایسه، می‌توان شاهد بود که از توسل حداکثری به جرم‌انگاری نیز جلوگیری می‌شود.

نکته مهم دیگر آن است که بنا به اعتقاد سیمستر و فون هیرش،^۱ خطاکاری و نیز صدمه شرایط مقدماتی جرم‌انگاری را فراهم می‌سازند، گرچه در این قالب معیار کلی تعیین خطاکاری مشخص نیست. با وجود این، بنا به استدلال آنها می‌توان در قالب سه وضعیّت حالت‌های مختلف مخاطره‌آمیز بودن یک رفتار را پوشش داد: صدمه فوری،^۲ صدمه دور از انتظار،^۳ جرم.^۴ لذا در بحث از نحوه پیش‌بینی قانونی جرایم به خطرانداز، می‌توان با اشاره به دسته‌بندی‌های مختلف از اصل صدمه، جنبه‌های رویکرد قانونی مرتبط را جامع‌تر شناسایی و پیش‌بینی نمود. لذا اصل صدمه می‌تواند جهت‌گیری و معیاری را برای وصف‌گذاری رفتارهای به خطرانداز مشخص کند و الگویی را برای قانونگذار ترسیم کند، مانند بازشناسی صدمات محقق‌نشده و یا دور^۵ از سوی فیلسوفان. در این منطقی می‌توان شاهد بود که برخی از نویسندگان با اشاره به چنین صدماتی در صدد برمی‌آیند تا جرایم غیرموگد یا غیرمنتهی به نتیجه^۶ را در دو عنوان کلان دسته‌بندی کنند. در این قالب، قانونگذار جرم‌انگاری برخی از مصادیق را فارغ از لزوم تحقق هر گونه نتیجه‌ای توجیه می‌نماید؛ به عنوان مثال، مقررات ایمنی

1. Simester and von Hirsch.

2. Immediate Harms.

در این قالب، تلقی خطاء بودن یک رفتار به دلیل آن است که شخص از هنجارهای تعیین شده تخطی کرده است.

3. Remote Harms.

در اینجا هدف این است که رفتار مضر احتمالی به انتخاب‌های کنونی افراد ارتباط داده شود.

4. Offence.

در این قالب رفتارهای دارای نتایج احتمالی زیانبار و یا نتایج دارای نتیجه زیانبار مشمول عنوان مجرمانه می‌شوند. البته

خود این عنوان نیز دارای مراحل و مراتبی است.

5. Remote Harms.

6. Non-constitutive Crimes.

و سلامت محور^۱ فراوانی هستند که فارغ از نتیجه قتل، مقدمات آن را جرم‌انگاری نموده‌اند. لذا به اعتقاد برخی از نویسندگان، فلسفه وجودی این جرایم پیشگیری از صدمه احتمالی است (Simester & Von Hirsch, 2009: 89).

۲-۱. نارسایی‌ها و عدم کفایت جرایم سنتی نتیجه‌گرا

دغدغه‌های قیم‌مآبانه حاکم برای وصف‌گذاری قانونی در حوزه‌های حساس سلامت و ایمنی باعث شده که از لزوم تحقق خسارت و نتیجه مضر عدول شود و یک مرحله عقب‌تر به رفتارهای احتمالاً مخاطره‌زا نیز توجه ویژه‌ای معطوف گردد. از این حیث و با توجه به اینکه ریسک معنای احتمالی بودن را دربردارد و طرح این مفهوم در علوم مختلف مدیریت و جرم‌شناسی با دغدغه مدیریت آینده و نگرانی برای آن در جوامع مخاطره‌آمیز/ریسک/درخطر مطرح شده است، می‌توان این دو مفهوم را به یکدیگر پیوند داد. اشتراک میان توجه به ریسک در جرم‌انگاری و توجه به احتمال صدمه این است که در هر دو مفهوم، احتیاط و عدم لزوم توسل ابتدایی به جرم‌انگاری، یک اصل اساسی تلقی می‌گردد. بر این اساس، اینکه دغدغه و هدف تأمین ایمنی شهروندان تأمین گردد لزوماً به معنای توجیه و اولویت‌بخشی به ابزار جرم‌انگاری نیست. لذا اصل احتیاط در جرم‌انگاری ریسک، به شکلی دیگر در جرم‌انگاری به خطراندازی احتمالی وجود دارد و تأکیدی بر ناکارآمدی تأکید بر نتیجه در جرایم است. در جرم‌انگاری رفتارهای با ماهیت به خطرانداز، قانونگذار گاه در قالب به خطراندازی انتزاعی^۲ یک رفتار و گاه تحت عنوان به خطراندازی واقعی^۳ اقدام به وصف‌گذاری می‌نماید که در مصداق اول وقوع بالفعل در معرض خطر قرار دادن دیگری شرط نیست، اما در مورد دوم این به خطراندازی باید فعلیت یافته باشد. لذا در این دو حالت

1. Health-and-safety regulations.

2. Abstract endangerment.

مانند ماده ۳۱۶ قانون مجازات، یعنی جرم مصرف مشروبات الکلی یا مواد مخدر در حین رانندگی.

3. Concrete endangerment.

مانند ماده ۳۱۵ (ج) قانون جزای آلمان؛ در معرض خطر قرار دادن جان و تمامیت جسمانی و اموال اشخاص.

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری | صیقل ۱۶۹ |

در معرض خطر قرار دادن بدون وجود نتیجه، خواه به صورت بالفعل و بالقوه، موضوع وصف‌گذاری قرار می‌گیرد.

۳-۱. قاعده فقهی-عقلی وجوب دفع ضرر محتمل

این یکی از قواعد عقلی است که به موجب آن هرگاه انسان احتمال ضرر در چیزی را بدهد و یا عملی را موجب ضرر بداند به حکم عقل باید از آن اجتناب نماید تا از وقوع ضرر و زیان محتمل ایمن گردد. بر همین اساس، چنانچه شخص به این احتمال اعتنا نکند و به عمل مزبور اقدام نماید و نهایتاً دچار ضرر گردد، مورد مذمت عقلا واقع می‌شود و لذا گفته می‌شود دفع ضرر محتمل واجب است (لطفی، ۱۳۹۱: ۲۰۵). چنین حکم عقلی اقتضائات کلانی دارد و تخصیص‌ناپذیری آن باعث می‌شود که عملکرد قانونی نیز در سایه جرم‌انگاری تحت‌الشعاع قرار بگیرد. لذا تأثیر آن به حقوق کیفری نیز سرایت پیدا می‌کند و از این نظر، می‌توان جرم‌انگاری رفتارهای دارای خطر احتمالی را در زمره این قاعده توجیه نمود. حتی با نگاه انتقادی و بدبینانه نیز می‌توان تأثیر این قاعده را در تعیین تکالیفی برای نهادهای مسئول در رفع مخاطرات احتمالی بسیار قابل توجه یافت. مانند تکالیف متعددی که در قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸ با هدف رفع خطر و مخاطرات احتمالی وضع شده‌اند. در بند (الف) و بند (ت) ماده ۳ به ترتیب تعریف مخاطره و خطر بر مبنای احتمالی بودن پیش‌بینی شده‌اند.

۴-۱. ضرورت‌های عملی جرم‌انگاری به خطراندازی

بدیهی است که ضرورت‌های مختلف قانونگذار را از اختلاف نظرهای مبنایی عبور می‌دهد و وصف‌گذاری روزافزون جرایم به خطرانداز را تسهیل می‌نماید.

الف. پزشکی شدن زیست اجتماعی: روزافزون شدن ورود نگاه پزشکی محور در ادبیات اجتماعی، ادبیات قانونی ناظر به مخاطرات احتمالی را تقویت کرده است. به اعتقاد ما امروزه در نگاه مردم اجتماع بسیاری از امور جامعه با یک نظام ارزیابی پزشکی سنجیده می‌شوند. این در حالی است که قبل از پررنگ شدن این نگاه در جامعه ایرانی جامعه‌شناسان

پدیده پزشکی شدن^۱ مسائل اجتماعی را در قرن بیستم مطرح کرده‌اند (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۹۰). این مسئله به تدریج بر تقاضا از قانونگذاران تأثیر می‌گذارد و قانونگذار در راستای این دغدغه با تصویب روزافزون قوانین به حمایت از آینده حیات بشری اقدام می‌کند. به نظر می‌رسد که در عین اینکه پزشکی شدن جرم‌انگاری به طور خاص جرایم بهداشتی پزشکی و تهدیدکننده سلامت را تبیین می‌کند، اما این تحلیل به سایر رفتارهای مخاطره‌آمیز و جرم‌انگاری حمایتی مرتبط سرایت پیدا می‌کند. زیرا امروزه بسیاری از مردم در مقام اقدام به رفتارها، مصرف کالاها و بسیاری امور اجتماعی، نسبت به ارزیابی میزان وجود یا عدم تهدید برای سلامتی اقدام می‌نمایند، امری که پس از شیوع بیماری کرونا در جهان در عمل رخ داده است.

البته دغدغه پزشکی شدن لزوماً محدود به مقررات جدید نبوده و در قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ می‌توان شکل بسیار مهم و جدیدی از حمایت از انسان‌ها در برابر بیماری‌ها را مشاهده کرد. به عنوان نمونه، به موجب ماده ۲۱ قانون اخیرالذکر چنین مقرر شده: «اشخاصی که برخلاف دستورهای بهداشتی نسبت به محافظت مواد غذایی که در معرض فروش گذارده می‌شود رفتار نموده یا اقدام به فروش مواد غذایی فاسد یا ناسالم نمایند (...).» در این بستر رفتار به خطرانداز فارغ از نتیجه موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته است. همین رویکرد در ماده ۱۰ این قانون نیز به رسمیت شناخته شده: «هر زنی که مبتلا به کوفت باشد در صورتی که بداند یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر است و کودک سالم شخص دیگری را با پستان خود شیر بدهد به (...) محکوم می‌شود. در صورتی که طفل بر اثر این عمل مبتلا به کوفت شود مرتکب به (...) محکوم خواهد شد». عدم وقوع نتیجه نیز مشمول عنوان مجرمانه و مجازات است. حتی احتمالی بودن نگرانی و انتشار بیماری در آینده نیز به موجب ماده ۵ این قانون باعث تکلیف نهادهای متولی بهداشت شده است.

ب. ایمنی زیستی به عنوان هدف جرم به خطراندازی: تحقق ایمنی در برابر امنیت یکی از ضرورت‌های مبنایی جرم‌انگاری به خطراندازی احتمالی است. ایمنی انواع مختلفی می‌تواند داشته باشد، اما اصطلاح کلان ایمنی زیستی مصادیق متعددی از رفتارهای به خطرانداز را پوشش می‌دهد. به اعتقادی جرایم ایمنی زیستی به عنوان جرایم منفی عاملی هستند که قانونگذار را به پیش‌بینی مطلق و فارغ از نتیجه این جرایم سوق می‌دهند (نک. سماواتی پیروز، ۱۳۸۹). لذا نفس ارتکاب افعال یا ترک فعل‌هایی که ناقض یکی از الزامات ایمنی زیستی هستند جهت جرم‌انگاری پیشنهاد می‌شوند. این در حالی است که به موجب ماده ۶ قانون ایمنی زیستی، پاسخ کیفری موکول به ورود خسارت گردیده و قانونگذار جرایم ایمنی زیستی را به صورت مقید مقرر نموده است. متأسفانه، قانونگذار به اثر پیشگیرانه جرم‌انگاری به صورت مطلق بی‌توجهی نموده و امکان اتخاذ و اعمال هرگونه پاسخ کیفری را صرفاً در فرضی فراهم نموده که خسارتی وارد شده باشد. چه بسا بخش عمده‌ای از خساراتی که متعاقب جرایم ایمنی زیستی بر زیست بوم یا افراد وارد می‌شوند جبران‌ناپذیر بوده یا دست‌کم ترمیم آنها بسیار دشوار باشد.

۲. مفهوم جرایم به خطراندازی و تفکیک‌پذیری از مفاهیم مشابه

رفتار به خطرانداز آن رفتاری است که دیگران را در معرض خطر قرار می‌دهد و یا وضعیتی را ایجاد می‌کند که آن وضعیتی خطرناک تلقی گردد. در حالت ایجاد وضعیتی مخاطره‌آمیز، این وضعیتی می‌تواند نتیجه رفتارهای مختلف و متعدد از سوی یک شخص یا اشخاص متعدد باشد. رفتار به خطرانداز با دامنه‌ای که در علوم روان‌شناختی و جامعه‌شناختی گاه به عنوان رفتارهای پرخطر یا مخاطره‌زا نیز تعبیر می‌گردد (نک. ادیب‌نیا، فائزه و همکاران، ۱۳۹۵). بُعد مفهومی مهم دیگر این است که مخاطره‌آمیز بودن رفتار به معنای تمام بودن انجام آن کار است و تحقق نتایج احتمالی منوط به اقدام دیگری از سوی مرتکب نیست. مثال مهمی می‌تواند در عین تبیین برخی از رفتارهای به خطرانداز، مطلب فوق را کامل‌تر سازد و آن اینکه پخش نمودن یک ماده سمی در هوا یا آب، رفتار مخاطره‌آمیز کاملی است و استنشاق یا مصرف در حکم عدم رفتار ثانویه است. لذا شرط ذاتی مخاطره‌آمیز بودن رفتار بر فعل

شخص مرتکب تمرکز دارد و به خطراندازی با توجه به شرایط آن رفتار ارتكابی سنجیده می‌شود. به نظر می‌رسد که رفتار به خطرانداز لزوماً فعل مثبت نیست و مرتکب آن نیز صرفاً شخص حقیقی نبوده و اشخاص حقوقی را نیز می‌تواند شامل شود. همچنین، این شخص می‌تواند یکی از مسئولانی باشد که با دستورهایی که می‌دهد به مخاطراتی دامن می‌زند و تهدیداتی را برای سلامتی، ایمنی و امنیت زیست در جامعه به همراه دارد. مثال این امر موارد متعدّد کوتاهی و غفلت مسئولان حوزه‌های مختلف نظارت بر محصولات خوردنی، آشامیدنی، بهداشتی و یا برطرف نمودن منابع آسیب احتمالی در آینده از سطح جامعه است. به عنوان مثال، ترک تکالیف مقرر در قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوّب ۱۳۲۰ موارد متعدّدی از احتمال خطر را به دنبال دارد، از قبیل ماده ۷ (تکلیف بهداری به موظف ساختن اشخاصی که به مناسبت پیشه خود ممکن است باعث انتشار بیماری‌های آمیزشی شوند به معاینه) یا ماده ۱۲ (مکلف ساختن برخی از اشخاص به درمان). یا در مثال دیگر، کوتاهی در بسیاری از وظایف مقررات مختلف مانند قانون مدیریت بحران کشور مصوّب ۱۳۹۸ خود به عنوان نوعی رفتار به خطرانداز غیرحقیقی قابلیت بررسی دارد. نکته دیگر آنکه خطرانداز بودن رفتار صرفاً محدود به نوع عمدی آن نیست، چه بسیار رفتارهای غیرعمدی‌ای که ریسک‌های شدیدتری در مقایسه با رفتارهای عمدی در پی دارند.

در قالب رفتارهای زیرمجموعه جرایم به خطرانداز یا خطرناک رفتار فارغ از نتیجه و لزوم تحقق آن اهمیت داشته و موضوع جرم‌انگاری قرار می‌گیرد. این مصداق به عنوان جرایم فعل محور^۱ و نه جرایم نتیجه‌محور^۲ رفتاری کامل بوده و نتیجه آینده مستقیماً از آن حاصل می‌شود. به عنوان مثال، تجاوز از سرعت ۷۰ مایل در ساعت در انگلستان یک جرم به خطراندازی است و این رفتار توانایی تحقق نتایجی مانند نقض سلامت تمامیت جسمانی افراد را دارد و رفتار دیگری از سوی مرتکب نیاز نیست. با مطالعه مقالات مختلف می‌توان منطق جرایم مطلق را در دو عنوان کلان دسته‌بندی نمود و همین موضوع می‌تواند

-
1. Conduct Crimes.
 2. Result Crimes.

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری | صیقل ۱۷۳ |

وصف‌گذاری کیفری را تا اندازه‌ای تسهیل و مشخص‌تر کند. شباهت میان دو عنوان ذیل آن است که هر دو در صدد توصیف رفتاری برمی‌آیند که متضمن ریسک یک صدمه نهایی^۱ هستند.

در جرایم موسوم به جرایم مانع^۲ (نک. نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۳، ۴۲)، صدمه احتمالی مستقیماً از رفتار ممنوعه ناشی نمی‌شود، بلکه مداخلات انسانی ثانویه‌ای، خواه از سوی مرتکب و خواه از سوی شخصی دیگر، نیاز است تا آن رفتار توانایی تحقق نتیجه را پیدا کند. لذا این جرم مانع به شکلی غیرمستقیم به نتیجه منتهی می‌شود. به همین دلیل است که این جرایم را می‌توان صرفاً مرحله‌ای از یک جرم کامل تلقی کرد و با این منطق جرم‌انگاری آنها را به بحث گذاشت (نک. احمدوند، ۱۳۹۰). لذا وقتی رفتار به خطرانداز به عنوان یک جرم مانع مدنظر قرار می‌گیرد باعث می‌شود که شکلی محدود از رفتارهای دارای احتمال اضرار موضوع مطالعه باشند، رفتارهایی که نتیجه‌بخش بودنشان نیازمند رفتاری ثانویه است. این رفتارها نیز به رفتارهایی اطلاق می‌گردند که شکلی سنتی دارند و صرفاً در مصادیق محدودی دسته‌بندی می‌گردند. این رفتارها عموماً رفتارهای عمدی بوده و ناظر به وضعیتهای خطرزا هستند. از این جهت است که به نظر می‌رسد قانونگذار با لزوم اذعان جامع به رفتارهای مخاطره‌آمیز یا در قالب جرایم مانع جدید در مقام شناسایی کلان رفتارهایی برآید که احتمال به خطراندازی و اضرار در آینده ویژگی ذاتی آنهاست و لزوماً وضعیتهای محصور نیستند. بر این مبنا می‌توان تصور و عدم اقدامات قابل توجهی، خواه از سوی اشخاص و یا از سوی نهادهای دولتی، را به صرف احتمال در آینده موضوع فرآیند پاسخدهی کیفری و غیر کیفری قرار داد. به طور کلی، پیش‌بینی ذیل جرایم مانع، به معنای وصف‌گذاری رفتارهایی است که خاصیت‌شان تسهیل وقوع جرایم دیگر در آینده است و قبح ذاتی آنها کمرنگ بوده و به شکلی قراردادی توسط قانونگذار وضع می‌شوند.

جدول شماره ۱- مقایسه جرایم به خطرانداز و جرایم مانع

جرایم به خطرانداز	جرایم مانع
-------------------	------------

1. Risk of the ultimate harm.
2. Prophylactic Crimes.

<p>عدم نیاز به اثبات مخاطره آمیز بودن در اثبات جرم. (صرف ارتکاب کفایت می کند و هیچ احتمال آینده محوری در آن جزء شرایط تشکیل دهنده جرم قرار نمی گیرد)</p>	<p>شرط ذاتی؛ لزوم اثبات به خطراندازی برای آینده. (ارتکاب با شرط ذاتی مخاطره آمیز بودن همراه است)</p>
<p>کفایت احتمال حداقلی. (احتمال فرضی از سوی قانونگذار برای نتایج بسیار دور ملاک جرم انگاری است) نکته: همه جرایم با احتمال جرم انگاری نمی شوند، بلکه اصول مختلفی چون اصل عدم آزاررسانی برخی رفتارها مطرح است)</p>	<p>احتمالی بودن نتایج به شکل قطعی. (احتمال عرفی متعارف قطعیت داشته باشد و صرفاً احتمال گمانی غیرمتعارف نباشد)</p>
<p>نتیجه بخش بودن در آینده نیازمند رفتار ثانویه از سوی مرتکب یا دیگری است. (به همین دلیل است که از آنها در عرض جرایم ناتمام یاد می شود)</p>	<p>وقوع نتایج احتمالی در آینده نیازی به رفتار ارتكابی جدید ندارد. (رفتار ارتكابی برای تحقق نتایج احتمالی کامل است)</p>

در حقوق کیفری آلمان، مصادیق متعددی از رفتارهای مجرمانه با ماهیت به خطراندازی قابل مشاهده هستند که خود نشانگر قبول این منطق در جرم انگاری و وصف گذاری تقنینی رفتارهای مخاطره آمیز است. در حقوق فرانسه نیز به موجب ماده ۱-۲۲۳ جرم به خطراندازی به طور عام و با شرایط محدودتری در مقایسه با حقوق کیفری آلمان به رسمیت شناخته شده است. زیرا در حقوق کیفری آلمان، قانون جزای این کشور این مصداق را در ذیل جرایم جاده ای، جرایم علیه محیط زیست، جرایم مرتبط با ساخت و ساز و جرایم علیه سلامت پیش بینی کرده است. همچنین، در این کشور، جرایم به خطراندازی در عین شمول مجازات های قابل توجه، به گونه ای غیر عمدی نیز قابلیت وقوع دارند، زیرا صراحتاً در بندهای مختلف از مواد قانون مرتبط به قید سهل انگاری اشاره شده است. لذا قید به خطراندازی که ذاتاً و با صراحت در رویکرد قانونی این کشورها پیش بینی شده عاملی برای وصف گذاری

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری | صیقل ۱۷۵ |

قانونی بوده و به نوع رویکرد قانونی جهت بخشیده است. گاه می‌توان به خطراندازی را مصداقی از یک جرم کلان در حوزه‌های مورد حمایت قانونگذار دانست. تهدید علیه بهداشت عمومی مقرر در ماده ۶۸۸ رفتاری با ماهیت به خطراندازی است، زیرا در واژه تهدید این احتمالی بودن مستتر است (نک. نجات و دبیری، ۱۳۹۴).

ماده ۱۴ از قانون هوای پاک مصوب مرداد ۱۳۹۶ نیز به نحوی قابل توجه در بستر اصل جرم‌انگاری رفتارهای دارای صدمات احتمالی قابل تحلیل است: «آلودگی ناشی از مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی (...) و یا فعالیت مراکز مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیاندازد (...)». لازم به اشاره است که صراحتاً به مجرمانه بودن این رفتار اشاره نشده اما تعیین جزای نقدی باعث تقویت داشتن ماهیت مجرمانه آن می‌شود. اصل صدمه نیز در جرم‌انگاری احتیاط می‌کند ولی در عین حال الزاماتی را برای اشخاص حقیقی و حقوقی تعیین می‌نماید. همچنین، در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب بهمن ۱۳۹۴ نیز مصادیق مختلفی از رفتارهای دارای نتایج احتمالی موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند. زیرا به موجب بند (پ) ماده ۱ این قانون اعمال زیرمجموعه جرم تأمین مالی تروریسم با مصادیق به خطراندازی همخوانی بسیاری دارند، زیرا رفتارهایی چون اعمال خطرناک، به خطر انداختن ایمنی و ایجاد خطر را صرف نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله موضوع جرم‌انگاری قرار داده است. در جرایم مقرر در ماده ۱۸ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ این رفتارها نیز اساساً تهدیدی جدی برای سلامت دیگران هستند و به همین دلیل است که مشمول جرم‌انگاری و پاسخ‌های کیفری قرار می‌گیرند.

۳. گونه‌های پیش‌بینی رفتار به خطراندازی در قانون

با نظر به مبانی برخاسته از اصل صدمه و نگرش فلسفی مرتبط با جرم‌انگاری در این قالب، می‌توان دریافت که رفتارهای به خطرانداز در دو شکل گاه موضوع وصف خطاانگاری یا تخلف‌انگاری قرار می‌گیرند و گاه رویکرد قانونی به سمت وصف‌گذاری کیفری و جرم‌انگاری این رفتارها است. اینکه در هر کدام از این گونه‌ها با چه رویکردی می‌توان

اهداف جرم‌انگاری رفتار به خطرانداز را تأمین نمود و با چه شرایطی می‌توان رفتارها را ذیل هر کدام از آنها قرار داد در دو قسمت ذیل تبیین می‌گردند.

۳-۱. رفتار به خطراندازی در قالب وصف خطاکارانه بودن

هنگامی که به مطالعه منابع اصلی مرتبط با جرم‌انگاری و اصل صدمه، مورد اشاره در نظر اندیشمندانی چون فاینبرگ، فون هیرش، سیمستر و داف مراجعه می‌شود، می‌توان اصطلاح رفتارهای خطاکارانه یا خطاکاری‌ها یا رفتارهای مبتنی بر خطاء را عنوانی برای اشاره به مصادیق رفتارهای مختلف به خطرانداز یا مخاطره‌آمیز یافت. این بکارگیری اصطلاح خود کارکرد توصیف قانونی را هم مشخص می‌سازد که به موجب آن قانونگذار برخی از رفتارهای به خطرانداز را نه در قالب جرم بلکه باید به عنوان یک خطاء پیش‌بینی نماید و در عین وصف‌گذاری، نسبت به بیان موضع خود و بکارگیری حداقلی جرم‌انگاری، در عین پیش‌بینی اخلاق اجتماعی در قانون، اقدام نماید. به اعتقاد نویسندگان از جمله نتایج پذیرش چنین عنوانی نوعی مقررات‌گذاری تنظیم‌کننده خواهد بود که با پیش‌بینی موارد خطاء بستر نظارت بر رفتارها و ایجاد نوعی نظم در کاهش رفتارهای به خطرانداز را فراهم می‌سازد. پیوند خطاکارانه بودن رفتار به صدمه احتمالی (یا تخلف جدی) عاملی برای محدود ساختن جرم‌انگاری است. اینکه قانونگذار رفتار به خطرانداز را بر اساس صدمه احتمالی پیش‌بینی کند و یا صرف خطا دانستن آن، می‌تواند جهت قانونگذاری کیفری را مشخص نماید. این امر به تعبیر برخی در جهت دوری از توجه صرف به صدمات احتمالی در آینده و سهولت جرم‌انگاری بر اساس تخطی از اخلاق مقرر در قانون است. رفتارهای دارای خطر نظیر سیگار کشیدن یا رانندگی در حالت مستی عموماً بر اساس تلقی خطاکارانه بودن‌شان مقید به جریمه می‌شوند و ارزیابی صدمات احتمالی در آنها جایگاه کم‌رنگی دارد. اما می‌توان چنین نظر داد که قانونگذار باید در وصف‌گذاری دو مرحله را از یکدیگر تفکیک نماید: اولاً خطاهایی را شناسایی نماید که گرچه خطراتی به دنبال دارند، پاسخ‌های نظارتی غیر کیفری بر آنها و برچسب تخلف کفایت می‌کنند. ثانیاً، با شناخت تخلفات به خطرانداز، آنگاه بر اساس منطق به خطراندازی و لزوم پاسخ‌گذاری کیفری، مصادیق مجرمانه به خطراندازی را تعیین کند.

چنانچه نگرش قانونگذار در جرم‌انگاری رفتارهای به خطرانداز این دو مرز را درهم شکنند، رویکرد جرم‌انگاری رفتارهای به خطرانداز با اشکال و نقص جدی مواجه خواهد بود.

در مراحل دوگانه اخیرالذکر، همسو با منطق خطاکارانه بودن، در عین تبیین اصول اخلاقی و یا استانداردهای رفتاری غیرمخاطره‌زا، با تنقیح وصف‌گذاری غیرکیفری از کیفری، رویکرد قانونی ممنوع‌کننده، نظام‌مند و یکپارچه مصادیق ظاهر می‌گردد. ممنوعیت بسته به ضمانت اجرای خود باعث تمایز تخلف از جرم و همچنین تعیین درجاتی برای تخلف خواهد بود. لذا بعضاً مصادیقی که در مقررات مختلف اساساً به خطرانداز، قانونگذار بدون تعیین ضمانت اجراء صرفاً به آنها قید «ممنوع» داده ذیل این رویکرد قانونی قرار می‌گیرند، مانند تبصره ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ و ممنوعیت استفاده از قطعات غیراستاندارد. ممنوع انگاشتن در قالب موارد مرتبط با حقوق مصرف‌یکی از ابعاد مهم به خطراندازی سلامت انسان‌هاست. همچنین، بند (غ) ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو ۱۳۹۵ در عین تأکید بر مفهوم احتمال قطعه ایمنی خودرو را قطعانی دانسته که عیب آنها موجب احتمال صدمه به جسم، جان و مال اشخاص می‌گردد. مثال‌های دیگر قابل ذکر ذیل تخلف‌انگاری عبارتند از: مصرف بی‌رویه آب آشامیدنی، ریختن آب دهان در خیابان، رانندگی با وسیله نقلیه‌ای که بیش از حد دارای آلودگی است، و سیگار کشیدن در اماکن عمومی. مورد اخیر به عنوان یک رفتار به خطرانداز با صدمات احتمالی دور از دسترس در تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۵ چنین موضوع تخلف‌انگاری قرار گرفته است: «مصرف دخانیات در اماکن عمومی یا وسایل نقلیه عمومی موجب حکم به جزای نقدی (...) است». قانونگذار در ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۹۰ در رابطه با موتورسیکلت‌ها به تعیین مصادیق به خطرانداز پرداخته است: «حرکت در پیاده‌رو یا در جهت مخالف مسیر مجاز، ایجاد عمدی صدای ناهنجار، حمل بار غیرمتعارف، حرکت نمایشی مارپیچ، تک‌چرخ، حمل یدک، عدم استفاده از کلاه ایمنی و تردد در خطوط ویژه اتوبوسرانی با موتورسیکلت تخلف محسوب شده و مأموران موضوع ماده ۲) این قانون موظفند ضمن صدور قبض جرمه نسبت به توقیف موتورسیکلت حداکثر به مدت یک هفته

و در صورت تکرار یک ماه اقدام کنند». تعیین فهرست رفتارهای به خطرانداز با عنوان تخلف می تواند دامنه جرم‌انگاری را مشخص نماید.

۳-۲. رفتار به خطراندازی در قالب جرم کیفری

مدل وصف‌گذاری کیفری مصادیق مختلف به خطرانداز در قانون می تواند گونه‌های مختلفی داشته باشد. به طور کلی در اینجا بحث این است که اساساً چنین رفتار مهمی با عطف به رعایت شرایط و مراحل آن، مقتضی است تا بدون ایجاد تشبث در مصادیق مقصود از جرم‌انگاری صحیح این رفتار در قانون پیش‌بینی شود. به عنوان مثال، مصادیق عدوان بدون نتیجه در قانون مجازات اسلامی^۱ تنها در حالتی قابل مجازات هستند که در سایر مقررات عنوان مجرمانه خاصی داشته باشند. لذا استقلال در عنوان مجرمانه و نه استعاره عنوان مجرمانه برای رفتارهای به خطراندازی شرط اساسی در کامل بودن رویکرد قانونی در جرم‌انگاری است. شناخت جنبه‌های به خطراندازی به عنوان جرم کیفری^۲ و ویژگی‌های آن اهمیت دارد. یکی از مهم‌ترین رویکردهای قانونگذاران در رابطه با جرم به خطراندازی احتمالی، پیش‌بینی در قالب جرم کلان در معرض خطر قرار دادن سلامت و ایمنی دیگران - مانند حقوق کیفری فرانسه - است. در حقوق این کشور، برای تحقق به خطراندازی سلامت یا ایمنی دیگری، لازم نیست که کسی آسیب جسمی ببیند، بلکه وجود شرایطی دیگر برای این رفتار کفایت

۱. در موارد مقرر در قسمت موجبات ضمان ق.م.ا. اطلاق تقصیر باعث می‌شود که ارتباط تنگاتنگی را میان شبه‌جرم و وصف عدوانی بودن رفتار تصور نمود. در قلمروی شبه‌جرم بنا بر ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و فنی، و نه صرفاً فردی و اخلاقی، و در چارچوب نظریه خطر و رفع ضرر، و نه تقصیر، مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده است (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

۲. لازم به اشاره است که یکی از مصادیق مشترک میان خطا کارانه بودن رفتار و جرم‌انگاری رفتار مخاطره‌آمیز را می‌توان در تبصره ۱ ماده ۵۲۲ ق.م.ا. و در اصطلاح تقصیر جستجو کرد: «نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می‌شود». در این رفتار، مفهوم مخالف آن باعث شناسایی رفتار غیر خطا کارانه از رفتار خطا کارانه می‌شود و به شرط عدم تحقق نتیجه و صدمه، می‌توان دوری آن از ضوابط وصف‌گذاری قانونی برای به خطراندازی را شاهد بود. نگهداری حیوان به شرط توانایی کنترل آن تقصیر نیست و یک اخلاق استاندارد اجتماعی است. در این تقصیر غلبه استعداد اضرار در آن عاملی برای نزدیکی میان نگرش اصل صدمه و تلقی خطا کارانه بودن است، امری که در تبصره ۲ این ماده صراحتاً بر آن تأکید شده است.

می‌کند (کاله آلوآ و تامپل، ۱۳۹۳: ۲۴۰). در فرانسه این جرم خاص برای اولین بار از سال ۱۹۹۶ در قانون جزای این کشور پیش‌بینی گردید. این جرم در عین کلی بودن شرایط دقیقی دارد. به موجب ماده ۱-۲۲۳: «قرار دادن مستقیم دیگری در معرض خطر قریب‌الوقوع مرگ یا زخم، به گونه‌ای که بتواند موجب نقض عضو یا معلولیت دایمی شود و ناشی از نقض آشکارا عمدی یک تکلیف خاص ایمنی یا احتیاط پیش‌بینی شده در قانون یا آیین‌نامه باشد مجازات حبس تا یک سال و جزای نقدی تا ۱۵۰۰۰ یورو دارد». این ماده کلی در حقوق کیفری فرانسه به ویژه برای پیشگیری از حوادث جاده‌ای تنظیم شده است. اما ممکن است در مواردی که مصرف‌کنندگان در معرض خطر فرآورده‌ها یا خدمات قرار گرفته‌اند قابل اعمال باشد. در اینجا همین موارد بررسی می‌شوند. جرم مذکور در ماده ۱-۲۲۳ همانند جرایم مقرر در قانون مصرف، به صرف به خطراندازی دیگری شکل می‌گیرد و لازم نیست که به کسی آسیب جسمی رسیده باشد. اما جرم مذکور در قانون جزا از چند جهت قابل توجه است که می‌تواند به عنوان الگوی آغازین در جهت بومی‌سازی جرم‌انگاری در کشورمان تأثیرگذار باشد، از جمله اینکه در قانون جزای فرانسه، به خطراندازی کیفیت مشدده جرم دیگر نیست بلکه یک جرم مستقل است. صرف به خطرانداختن سلامت یا ایمنی دیگری برای تحقق جرم مذکور در قانون جزا کافی نیست، بلکه به موجب متن ماده ۱-۲۲۳ باید سه عنصر فراهم باشند: اول، «نقض (...) تعهد خاص ایمنی یا احتیاط پیش‌بینی شده در قانون یا آیین‌نامه»؛ دوم، ویژگی «آشکارا عمدی» این نقض؛ ذکر صفت «عمدی» نشان می‌دهد که صرف بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری برای تحقق جرم کافی نیست بلکه مباشر باید آگاه باشد که سلامت یا ایمنی دیگری را به خطر می‌اندازد. البته او نتایج زیانبار عملش را نمی‌خواسته ولی می‌دانسته که ممکن است چنین نتایجی به بار آیند. او مرتکب سوءنیت احتمالی شده که میان قصد آسیب‌رسانی و بی‌احتیاطی قرار دارد. گویا قانونگذار خواسته بگوید که عمدی بودن نقض باید مسلم باشد یا حداقل باید از دلایل قطعی استنباط شود و مبتنی بر حدس و گمان نباشد؛ سوم، «قراردادن مستقیم دیگری در معرض خطر قریب‌الوقوع مرگ یا زخمی، به گونه‌ای که بتواند موجب نقض عضو یا معلولیت دایمی شود». قسمت عمده جرم همین به خطر انداختن است، که ارتباط قابل توجهی با جرایم مخاطره‌آمیز دارد. اما قانونگذار چه

احتیاط‌هایی کرده که از اهمیت این جرم‌انگاری بکاهد! و چه نگارش ناشیانه‌ای! در معرض قرار دادن باید مستقیم و خطر باید قریب‌الوقوع باشد. به نظر می‌رسد که این دو اصطلاح یک معنا دارند، چون طبق هر دو، لازم است که میان عمل و خطر رابطه سببیت مستقیم وجود داشته باشد. بهتر بود که قانونگذار به جای این عبارات، لازم می‌دانست که خطر قطعی باشد. اما می‌توان فهمید که چرا این جرم‌انگاری منحصر به بزرگ‌ترین خطرات هستند: مرگ، نقص عضو و معلولیت دایمی. به نظر ما می‌توان دلیل محدود دانستن به این نتایج را ناشی از احتمالی بودن وقایع آنها دانست. به این تعبیر که اهمیت این نتایج باعث می‌شود که تا اندازه‌ای از برخی از مقید دانستن جرایم دست برداشت و نسبت به جرم‌انگاری مصادیق احتمالی گام برداشت (کاله آلوآ و تامپل، ۱۳۹۳: ۲۴۳). در مقررات حوزه مصرف در فرانسه، به خطراندازی به عنوان جرم کیفری نیامده بلکه عامل تشدیدکننده یک جرم دیگر است^۱ که آن جرم فریب‌کاری، دستکاری یا نگهداری کالای دستکاری شده است. بنابراین، مجازات در صورتی قابل اعمال است که عناصر این سه جرم وجود داشته باشند و در صورت عدم وجود این ارکان در قالب تخلف موضوع آیین‌نامه‌های مرتبط قابل بحث است.^۲

در حقوق انگلستان به عنوان یکی از جرایم علیه اشخاص، در ماده ۲۲ قانون جرایم مصوب ۱۹۵۸، رفتار آگاهانه شخص که دیگری را در معرض خطر مرگ قرار می‌دهد

۱. در حقوق کیفری فرانسه علت تشدید آن است که شاید فریب‌کاری یا دستکاری موجب خطرناک‌تر شدن یک فرآورده برای سلامت شود. برخی نمونه‌های آن از این قرار هستند: تولیدکننده‌ای که رنگ سمی به مواد غذایی می‌افزاید؛ تعمیرکاری که خودروی دست دوم را می‌فروشد و به خریدار نمی‌گوید که تصادف قبلی استحکام قسمت‌های هدایت خودرو را تضعیف کرده است؛ مرکز انتقال خون که بدون آگاهی بیماران از خون آلوده استفاده می‌کند. این وضعیت به خطراندازی جرم را شدیدتر می‌کند. بنابراین، قاضی باید روشن کند که علت تشدیدکننده جرم کدام است. ولی اگر جرم مذکور در مقررات راجع به حفاظت از سلامت مصرف‌کننده، همراه با فریب‌کاری ارتکاب یابد، قاضی چنین وظیفه‌ای ندارد.

۲. ممکن است آیین‌نامه‌ای که راجع به ایمنی است نقض شود، بدون آنکه عناصر فریب‌کاری یا دستکاری احراز شوند. در این صورت، دیگر جنحه نیست بلکه خلاف است و مجازات‌های آن جزای نقدی چندصد یورویی خواهد بود، امری که به لحاظ تناسب با جرم دارای ایراد به نظر می‌رسد.

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری | صیقل ۱۸۱ |

جرم‌انگاری شده است. در جدول زیر به برخی از تفاوت‌های این دو جرم، که می‌تواند مدل جامعی را برای حقوق کیفری ایران بدست دهد، اشاره می‌شود.

جدول ۲- مقایسه جرایم عام به خطراندازی در حقوق کیفری فرانسه و انگلستان

فرانسه	انگلستان
La mise en danger des personnes) (223-1)	Endangering Life (Crimes Act) (1958 s22)
نقض آشکارا عمدی یک تکلیف خاص ایمنی یا احتیاط پیش‌بینی‌شده در قانون یا آیین‌نامه.	شرایط: تحقق کامل رفتار، عمدی بودن رفتار، رفتار باعث به خطراندازی حیات دیگری شود، رفتار ارتكابی بدون مجوز یا معافیت قانونی باشد، مرتکب بی پرواگونه رفتار را مرتکب شود.
قراردادن مستقیم دیگری در معرض خطر قریب‌الوقوع مرگ یا زخم، اثبات به خطراندازی برعهده قاضی است.	به خطراندازی باید اثبات شود. اثبات با لحاظ معیار اشخاص منطقی. بدون اینکه نیاز باشد که واقعاً بزه‌دیده در معرض خطر قرار گرفته باشد.
آن رفتار به گونه‌ای باشد که بتواند موجب نقض عضو یا معلولیت دائمی شود.	سطح خطر با معیار خطر معقول تعریف می‌شود. خطری که فرضی نبوده و بدون نیاز به مقدار آماری، صرفاً نشانگر احتمال مقبول دور برای مرگ باشد.

به وارونه رویکرد حقوق کیفری فرانسه در پیش‌بینی جرم عامی با عنوان جرم به خطراندازی، در حقوق کیفری آلمان مصادیق قابل توجه و متعددی ناظر به استفاده از قید به خطراندازی وجود دارند که رویکرد این قانونگذار را به شکلی صریح در حمایت از خطرات آینده نشان می‌دهد. این عنوان در برخی تألیفات ذیل جرایم علیه اشخاص و با عنوان جرم به

خطراندازی محض^۱ آمده که عموماً حقوق کیفری آلمان به آن پرداخته است (Dubber and Hörnle, 2014: 592). به موجب قانون جزای آلمان - در نسخه انگلیسی سال ۲۰۱۰ - می‌توان بالغ بر صد مورد استفاده از لفظ به خطراندازی را مشاهده نمود که از میان این موارد، حداقل بیست مورد جرم با ماهیت به خطراندازی پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال، در بند ۱ ماده ۳۰۳ مقرر شده است: «هر کسی که باعث جاری شدن سیل شود و در نتیجه آن جان یا تمامیت جسمانی شخص دیگر یا سایر اموال با ارزش متعلق به دیگری را در معرض خطر قرار دهد، به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد». در این جرم، اهمیت مصداق به خطراندازی باعث شده که دامنه قابل توجهی از مجازات نیز به آن تسری یابد. یکی دیگر از مصداق مهم به خطراندازی جرم مقرر در ماده ۳۱۵ (ج) با عنوان «به خطراندازی ترافیک جاده‌ای»^۲ بوده که مصداق مختلفی را در ضمن سه بند مورد اشاره قرار داده که از جمله آنها می‌توان اینها را نام برد: رانندگی در حین مستی یا نقص جسمی و روانی، نقض فاحش مقررات راهنمایی رانندگی از جمله عدم رعایت حق تقدم، رانندگی نادرست در نزدیکی گذرگاه‌های عابرین پیاده، رانندگی نامناسب در مکان‌هایی که دید اندکی وجود دارد و ... که باعث در معرض خطر قرار گرفتن جان یا اعضای بدن و اموال دیگران شوند. ماده قبل از آن یعنی ماده ۳۱۵ (ب) نیز با عنوان اختلال خطرناک جاده‌ای^۳ اقدام به جرم‌انگاری رفتارهای ناقض ایمنی جاده‌ای از قبیل ایجاد مانع، تخریب جاده و امکانات آن یا سایر اقدامات خطرناک مشابه نموده و شرط در معرض خطر قرار گرفتن جان و اموال دیگران را در میزان مجازات مؤثر دانسته است. در مصداق جالب دیگری از این قانون ماده ۳۱۹ با عنوان جرم «ایجاد خطر در حین عملیات ساخت و ساز»^۴ موارد عمدی و سهل‌انگاری در ایجاد خطر را جرم دانسته است. یا ماده ۳۳۰ (الف) جرم ایجاد خطر جدی از طریق آزاد کردن یا انتشار سم^۵ را پیش‌بینی کرده که گرچه در این جرم از به خطراندازی استفاده شده تحقق نتایجی

-
1. Abstract endangerment Offence.
 2. Endangering road traffic.
 3. Dangerous disruption of road traffic.
 4. Causing danger during construction works.
 5. Causing a severe danger by releasing poison.

چون مرگ یا جراحت جدی در کنار خطر آسیب‌دیدگی برای تعداد زیادی از مردم شرط اساسی تحقق جرم است. لذا در قانون مجازات آلمان در گستره قابل ملاحظه‌ای از به خطراندازی استفاده شده است، اما گاه این مفهوم را با قید در معرض خطر قرار دادن یا گرفتن حالت دوگانه‌ای از احتمال و وجود نتیجه در عرض هم پیش‌بینی کرده است.

نتیجه

امروزه با توجه به معیار ایمنی جوامع برخاسته از نظریه جامعه‌شناختی جامعه در خطر، به خطراندازی چندان پذیرش جهانی یافته که قانونگذاران با هدف حمایت از ایمنی حوزه‌های حساس سلامت‌محور در مفهوم کلان و مقابله حقوقی با رفتارهای مخاطره‌زا، در جرم‌انگاری‌های جدید، عدم نیاز به نتیجه و صرف قوی بودن احتمال وقوع نتایج زیانبار در آینده را پیش‌بینی کرده‌اند. لذا قانونگذار با رویکردی پیشگیرانه، در عین احترام به حقوق و آزادی‌های افراد جامعه، با ملاحظه ایمنی جامعه در برابر نتایج احتمالی و البته قطعی رفتارها، شاهد ورود عناوین مجرمانه است. در عین حال، رفتارهای به خطرانداز با مفهوم رفتارهای دارای استعداد اضرار در آینده مستلزم چارچوب و ساختاری یکپارچه هستند که به موجب آنها در عین ورود دقیق این رفتارها به مقررات کیفری، کارآیی مقررات کیفری در پیشگیری از نتایج احتمالی این رفتارها نیز محقق گردد. در راستای اصل صدمه و محوریت صدمات دور اما قابل تحقق، در معرض خطر قرار دادن، فارغ از نتیجه گاه صراحتاً در عناوین مجرمانه قید می‌شود (مانند حقوق کیفری آلمان و فرانسه)، گاه نیز وصف ذاتی برخی رفتارها بوده و استعداد اضرار ماهیت ذاتی آن جرم را تشکیل می‌دهد. در جرم‌انگاری موارد مرتبط با منطق مخاطره‌آمیز بودن، تصریح به این قید باعث می‌شود که تفکیک قابل توجهی از این جرم و دیگر جرایم با منطق پیشگیری مانند جرایم مانع ایجاد شود. به عنوان مثال، وضع ضمانت اجرای کیفری برای رفت و آمد با علم به داشتن بیماری واگیرداری مانند کرونا در فرانسه و همچنین طرح‌های مجازات‌دهی این افراد در ایران با منطق احتمال به خطراندازی رفتار همخوانی دارند.

وصف گذاری قانونی جرایم به خطراندازی به معنای نفس رفتار فارغ از نتیجه و لزوم تحقق آن، دو بُعدی بودن وصف های جرم انگاری و تخلف انگاری را بازگو می کند. این رفتار به خطرانداز خود مستقیماً عامل نتیجه احتمالی در آینده است و لذا رفتار ارتكابی در نوع خود کامل بوده ولی نتیجه ای از آن حاصل نمی شود. لذا به نظر می رسد قانونگذار با لزوم اذعان جامع به رفتارهای مخاطره آمیز یا در قالب جرایم مانع جدید در مقام شناسایی کلان رفتارهایی برآید که احتمال اضرار و ویژگی ذاتی آنهاست و لزوماً وضعیت محور نیستند و تسهیل کننده سایر جرایم نیستند. به همین دلیل در جرم انگاری باید میان دو جرم مطلق یعنی جرایم به خطراندازی و جرایم مانع تفکیک نمود و دسته دوم را می توان صرفاً نوعی رفتارهای مقدماتی جرایم به خطراندازی یا سایر جرایم تلقی نمود. از این رو، تمام بودن یک جرم به خطراندازی در احتمال تحقق نتیجه و ناتمام بودن در جرایم مانع یا پیشگیرانه می تواند سیاست ها و آثار متفاوتی را به دنبال داشته باشد.

در جرم انگاری به خطراندازی با احتمال صدمه، وصف ذاتی و استعداد اضرار ماهیت ذاتی آن رفتارها را تشکیل می دهد. به همین خاطر در راستای اصل صدمه و محوریت صدمات دور اما قابل تحقق، رفتار مجرمانه مخاطره آمیز کامل بوده و به هیچ رفتار دیگری نیاز نیست. در این نوع جرایم تصریح به قید (مانند حقوق کیفری آلمان و فرانسه) به خطراندازی موجب تفکیک آنها از جرایم پیشگیرانه دیگر مانند جرایم مانع می گردد، که اثبات ریسک یک رفتار در ضمن شرایط تشکیل دهنده آن جرم قرار می گیرد و همین لزوم اثبات آن شرط نیز از نقض حداکثری حقوق و آزادی های افراد جلوگیری می کند. عدم تصریح به قید در معرض خطر قرار دادن و استفاده از اصطلاحات دیگر عاملی برای تفاوت برداشت ها از معیارهای به خطراندازی می گردد و به همین دلیل جرم انگاری به خطراندازی باعث تقویت جرم انگاری با واژگان یکپارچه شده و از تشبث در تفسیر مقررات و ابهامات اجرایی این موارد دارای معنای احتمالی بودن جلوگیری می کند. لازم به ذکر است که جرم تهدید علیه بهداشت عمومی (مقرر در ماده ۶۸۸ ق.م.ا) اگرچه عام بوده و متضمن نوعی مخاطره آمیز بودن است، در تفکیک جرایم نمی توان آن را یک مصداق صحیح برای جرم به خطراندازی تلقی کرد. در جرم به خطراندازی مشخص سازی حوزه های در معرض تهدید

و خطر ضرورت دارد تا از این طریق از تداخل مواد قانون جرم‌انگار اجتناب شود. در حال حاضر نیز به استناد رویه قضایی، این جرم به نوعی در جرایم علیه سلامت مصداق می‌یابد و موارد محیط زیستی آنها کمتر مورد تمسک است. به همین دلیل بدقوارگی جرم‌انگاری در این ماده مهم بسیار مبرهن بوده و جرمی واسطه‌ای میان حمایت از محیط زیست و حمایت از سلامت انسان‌هاست، اما در عمل نتوانسته به طور کامل محقق‌کننده این حمایت‌ها باشد. لازم به اشاره است که چنین جرم‌انگاری‌ای نیازمند ضوابط اجتماعی، ساختاری و همچنین قضایی مشخصی است که در عین احترام به اقتضات این جرایم از دامنه آن سوءاستفاده نشود. در ادامه برخی از پیشنهادهای قابل ذکر با منطق به خطراندازی تبیین می‌شوند:

مرحله‌گذاری سه‌گانه از جرم‌انگاری به خطراندازی: تعریف استانداردها (نقض دستورها به عنوان رفتار بینابین میان جرم و تخلف؛ عمده مصادیق آن در قالب تخلف قرار می‌گیرند، اما لزوماً به شکل تخلف محدود نمی‌شوند)؛ پیش‌بینی نظام‌مند رفتارهای احتمالی و موضوعات حساس (درج ضابطه‌مند به خطراندازی در عنوان‌دهی مجرمانه و تجمیع رفتارهای مخاطره‌آمیز در یک فصل مشخص یا پیش‌بینی به تناسب موضوع).

درجه‌بندی احتمال نتیجه و تأثیر آن بر وصف‌گذاری کیفری و غیرکیفری رفتارهای به خطرانداز (مخاطره‌آمیز): میزان احتمال قابل تحقق بودن، در قالب احتمال قطعی (به خطراندازی به عنوان جرم) و احتمال غیرقطعی با وصف تردید یا جهل وقوع نتایج در آینده (به عنوان مصادیق غیرکیفری، عموماً در قالب رفتارهای مسوق به تکلیف اجتماعی در رعایت استانداردهای رفتاری) می‌توانند پیشنهاد شوند. گاه احتمال بر اساس برخی حوزه‌های حساس یا برخی اشخاص آسیب‌پذیر از سوی قانونگذار قطعی فرض می‌شود و احتمال حداقلی محقق شدن ریسک در آینده نیز آن را مشمول عنوان کیفری قرار می‌دهد.

مصداق‌شناسی و طبقه‌بندی تخصصی حوزه‌های مختلف جرم‌انگاری رفتار مخاطره‌آمیز: به منظور جامعیت داشتن جرم‌انگاری باید با شناسایی حوزه‌های مختلف ریسک نسبت به جرم‌انگاری افتراقی اقدام نمود. این نگرش در حقوق فرانسه باعث شده که جرم به خطراندازی سلامت دیگران هم در حقوق مصرف و هم در حقوق کیفری پیش‌بینی گردد. لازم به اشاره است که از نظر ما نگاه افتراقی نباید باعث تکثر قوانین گردد، که خود

البته ویژگی منفی جوامع کنونی است. لذا می‌توان با جرم‌انگاری کلان و معطوف به مصادیق مختلف، از این امر اجتناب نمود. حقوق کیفری آلمان با بالغ بر ده عنوان مجرمانه، مصادیق خاص به خطراندازی در حوزه‌های مختلف را پیش‌بینی کرده است. به خطراندازی ترافیک جاده‌ای، سلامت محیط زیست، احتیاط در معابر عمومی، عدم استاندارد در عملیات ساخت و ساز، ایجاد زمینه‌های سیل، ایجاد خطر جدی از طریق انتشار سموم خطرناک و ... نوعی طبقه‌بندی جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز تلقی می‌شوند. پذیرش چنین رویکردی برای حقوق کیفری ایران نیز فاقد ایراد است و می‌تواند از پراکندگی مقررات اجتناب نموده و از این حیث نظام‌مندی قابل توجهی را موجب شود.

عمومی و خصوصی دانستن رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز (جرایم دو بُعدی):
در جرایم مبتنی بر احتمال اضرار اشخاص جامعه، به عنوان مثال ماده ۱۷ از قانون مواد خوردنی، آشامیدنی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶، عمومی دانستن جرایم نشان از تکلیف دولت و دستگاه قضایی بر تعقیب این جرایم دارد و اندک کوتاهی در این خصوص می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد. از این رو، آیا عمومی دانستن این مصادیق از جرایم رویکرد قابل دفاعی است یا خیر؟ با هدف سرعت پاسخدهی، پاسخ شاید به ماهیت دوگانه و جدید جرایم منتهی شود که به موجب آن به شکلی دو بُعدی این جرایم هم خصوصی و قابل گذشت باشند و هم عمومی و غیرقابل گذشت و تقدّم یکی از ذینفعان باعث شود که آن نوع دوم از تلقی این جرایم از بین برود.

پاسخ‌گذاری افتراقی بر مبنای احتمال مخاطره‌آمیز بودن رفتارها: در حقوق کیفری آلمان و فرانسه تنها مجازات این جرایم به شکل جزای نقدی یا حبس تعیین شده و میزان حداقل حبس نیز مشخص نشده است. البته وجود سایر مقررات و تنوع پاسخ‌های کیفری ناظر به جایگزین حبس و مجازات‌های اجتماعی تا اندازه‌ای رویکرد این دو کشور را تعدیل کرده و امکان تعیین پاسخ‌های افتراقی متناسب را فراهم می‌سازد. اما به نظر می‌رسد که تصریح به مجازات اصلی جرایم می‌توانست به شکل جامع‌تری و در تناسب با ماهیت مخاطره‌آمیز رفتارها و حوزه وقوع آنها پیش‌بینی گردد. به همین دلیل در ابتدا نباید بر حبس تأکید شود، بلکه باید پاسخ‌هایی شامل اعاده و ترمیم اولویت داشته باشند و جبران خسارت صراحتاً در عداد پاسخ‌ها ذکر گردد. نظر به عدم محدودیت عنوان‌دهی به شکل جرم،

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری | صیقل ۱۸۷ |

پاسخ‌گذاری نیز لزوماً کیفری نباشد و برخی تخطی‌ها از دستورها و استانداردهای رفتار اجتماعی با پاسخ‌های اجتماعی ضابطه‌مند پاسخ داده شوند.



ORCID

Yazdan Seyghal



<http://orcid.org/0000-0001-6551-4284>

Amir Irani



<http://orcid.org/0000-0002-5164-4899>

منابع

الف. فارسی

ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۸)، تحول مفهوم ریسک در حقوق کیفری، دیپاچه در: اوامی، پاتریک، جرم و ریسک، ترجمه یزدان صیقل و امیر ایرانی، انتشارت جنگل، چاپ اول، ص ۶-۵

احمدوند، کریم (۱۳۹۰)، بررسی جرائم مانع در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم،

ادیب نیا، فائزه و همکاران، مروری بر علل گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۵،

اطهری، مهرداد (۱۳۹۲)، تحلیل تطبیقی جرائم ناقص در کامن لا، فقه و قانون جدید مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، ایرانی، امیر (۱۳۹۸)، جرم انگاری و پاسخ گذاری رفتار مخاطره آمیز، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شیراز

برهانی، محسن و محمدرضا رهبر پور (۱۳۹۰)، چرایی جرم انگاری در قلمروی اخلاق زیستی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران، دوره چهل و یکم، شماره ۴، زمستان

پوربافرانی، حسن (۱۳۹۶)، جرم های مادی، در: امیر حسن نیازپور (به کوشش)، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، نشر میزان، چاپ اول،

حاجی ده آبادی، احمد و احسان سلیمی (۱۳۹۳)، اصول جرم انگاری در فضای سایبر، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۰، ۱۳۹۳، صص ۸۸-۶۱

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری | صیقل ۱۸۹ |

دلماش مارتی، می ری (۱۳۹۳)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی
ابرنندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم،

رحمانی نعیم‌آبادی، علیرضا (۱۳۹۵)، بررسی بزه‌های ناتمام در حقوق کیفری ایران، مجله
پژوهش‌های حقوقی، دوره پانزدهم، شماره ۳۰، پاییز و زمستان،

رضوانی، سودابه (۱۳۹۶)، مفهوم خطرناکی در علوم جنایی، نشر میزان، چاپ اول
رهبرپور، محمدرضا (۱۳۹۳)، مبانی فقهی ممنوعیت و جرم‌انگاری در قلمروی اخلاق
زیستی، مجله حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، پاییز

سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۹)، نقد و بررسی قانون ایمنی زیستی با تأکید بر رهیافت‌های حقوق
کیفری، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۱۲، بهار،

شاملو، باقر و ابوالفضل یوسفی (۱۳۹۴)، مخاطرات و تکالیف حقوقی دولت در مقیاس ملی
و بین‌المللی، مجله مدیریت مخاطرات محیطی، دوره دوم، شماره ۳، پاییز،

شمعی، محمد (۱۳۹۲)، درآمدی بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی، انتشارات جنگل، چاپ اول،
صیقل، یزدان (۱۳۹۶)، مطالعه حقوقی - جرم‌شناختی جرم در جامعه مخاطره‌آمیز، رساله
دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی،

عبدالرضایی، (۱۳۸۹) بررسی مبانی جرم‌انگاری جرایم مانع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد
حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز، شهریور، ص ۴۸

عبداللهی، اسماعیل (۱۳۹۳)، مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوق ایران و
انگلستان، انتشارات خرسندی، ص ۱۷۱

علیشاهی، ابوالفضل و دیگران (۱۳۹۵)، «مبانی حجیت «ظنّ متأخّم به علم» و ساز و کارهای
تشخیص آن»، فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، دوره دوم، شماره ۴ (شماره پیاپی
۵)، زمستان

علیزاده طباطبایی، زهرا سادات (۱۳۹۰)، جرم‌انگاری در پرتو موازین حقوق بشر با رویکردی
به سیاست کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی،
دانشگاه تهران،

فاخری، نریمان و حسام عباسی، (۱۳۹۰)، بررسی مبانی جرم انگاری جرایم مانع در حوزه حقوق کیفری ایران؛ مجله حقوقی عدالت آراء، شماره ۱۶ و ۱۵، صص ۱۱-۱۳

فرح بخش، مجتبی (۱۳۹۲)، جرم انگاری فایده انگارانه، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
فلاحی، احمد (۱۳۹۴)، اصل ضرورت در جرم انگاری و محدودیت های وارد بر دخالت کیفری در مصرف مواد مخدر، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان

قاضی طباطبایی، محمود و دیگران (۱۳۸۶)، پزشکی شدن به مثابه بازی؛ تحلیلی بر برساخت اجتماعی مسائل انسانی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، بهار،
قسمتی تبریزی، علی (۱۳۸۹)، اجتماعی کردن خطرات، مجله نامه حقوقی مفید» حقوق تطبیقی»، سال شانزدهم، شماره ۸۲، جلد ششم، شماره ۲، اسفند،
قماش، سعید (۱۳۸۹)، بنیادهای جرم انگاری در حقوق کیفری نوین، فصلنامه حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار،

لطفی اسدالله (۱۳۹۱)، قاعده و جوب دفع ضرر محتمل و کاربرد آن در قانون آئین دادرسی مدنی، دوفصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، دوره هفدهم، شماره ۵۹،
مجیدی، سید محمود (۱۳۹۶)، راهکارهای تأمین جرم انگاری توسعه گرا در حقوق کیفری، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره هشتم، شماره پیاپی ۱۵ شماره یک این دوره، بهار و تابستان

محرملی پور، مهرداد (۱۳۹۴)، بررسی و نقد اخلاق گرایی قانونی به عنوان یکی از اصول جرم انگاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه گیلان،
محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۶)، مفهوم آزادی و نسبت آن با جرم انگاری، مجله علوم جنایی، شماره ۱،

محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۶)، مبانی فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۳۷، شماره

بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری «به خطراندازی» احتمالی رفتار در حقوق کیفری | صیقل ۱۹۱ |

محمودی جانکی، فیروز (۱۳۹۳). حق‌مداری در جرم‌انگاری؛ با تأکید بر نظریه آلمانی مصالح

حقوقی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره سوم، شماره ۹، زمستان

میرمجیدی، سپیده و دیگران (۱۳۹۵)، تحلیل بر ساخت‌گرایانه‌ی فرایند جرم‌انگاری در ایران

بر اساس نظریه واقعیت اجتماعی جرم، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره چهارم،

شماره ۱۴، بهار،

نجات، سید امین و فرهاد دبیری، بررسی چالش‌های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ (۹۱۴)

قانون مجازات اسلامی، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره هفتم، شماره ۲، تابستان

۱۳۹۴،

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حبیب‌زاده، محمدجعفر و بابایی، محمدعلی، جرایم مانع

(جرایم بازدارنده)، مدرس علوم انسانی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ویژه‌نامه

حقوق، (۳۷ پیاپی)، ۱۳۸۳، ص ۲۳

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی، دیباچه در: جرم

شناسی فراملی، به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، به کوشش حمیدرضا

نیکوکار، نشر میزان، چاپ اول، ص ۲۲.

نوبهار، رحیم و فاطمه صفاری (۱۳۹۵)، رعایت مصالح بزه‌یده در جرم‌انگاری، مجله حقوقی

دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۳، بهار،

ب. انگلیسی

Duff, R. A. (2005) Criminalizing Endangerment, 65 La. L. Rev. Available at:
<https://digitalcommons.law.lsu.edu/lalrev/vol65/iss3/2>

DUFF, R.A. AND S.E. MARSHALL (2015) Abstract Endangerment', Two Harm Principles, and Two Routes to Criminalization, Bergen Journal of Criminal Law and Criminal Justice • Volume 3, Issue 2, pp. 131-161

Duff, (2014) Towards a Modest Legal Moralism, in 8 Criminal Law and Philosophy pp. 217

Dubber, Markus and Hörnle, Tatjana, (2014) Criminal Law: A Comparative Approach, Oxford university press, first publishing,

Feinberg, J (1988) Harmless Wrongdoing, Oxford University Press.

Fu, X. R. (2014). On Rational Response of Criminal Law to a "Risk Society". Canadian Social Science, 10(5)

- Harcourt, (199 the Collapse of the Harm Principle, in 90 Journal of Criminal Law & Criminology
- Husak, (2010) the De Minimis “Defence” to Criminal Liability, in his The Philosophy of Criminal Law: Selected Essays, Oxford University Press, p. 362
- Kemshall, Hazel, (2003) Understanding risk in criminal justice, Open University Press,
- O'Malley, P. (2016). Risk, Law, and Security. In Jonathan Crichton, Christopher N. Candlin, Arthur S. Firkins (Eds.), Communicating Risk, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Simester, A. P. & Von Hirsch, Andrew (2009) Remote Harms and Non-constitutive Crimes, Criminal Justice Ethics, 28:1, P. 89
- Simester, A., & von Hirsch, A. (2011). Crimes, harms, and wrongs: On the principles of criminalisation. Oxford: Hart
- Von Hirsch, A. (1996) Extending the Harm Principle: ‘Remote’ Harms and Fair Imputation,” in Harm and Culpability, ed. A. P. Simester and A. T. H. Smith (Oxford, UK: Clarendon), 259.

